

ارزیابی الگوی اثربخش

مسئله‌یابی و حل مسئله جوانان توسط والدین

چکیده

حل مسئله در خانواده مورد توجه اندیشمندان متعددی در رشته‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار گرفته است. براساس نظریات و دیدگاه‌های این اندیشمندان الگوی اثربخش حل مسئله مشتمل بر سه بعد رفتاری، جهت‌گیری و نظرخواهی طراحی شد. در این مطالعه با توجه به این ابعاد سه‌گانه یک طیف طراحی و پس از بررسی اعتبار و روایی آن، در میان ۳۸۵ نفر از والدین به منظور بررسی چگونگی حل مسئله فرزندانشان توزیع شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چند اثربخشی والدین در زمینه حل مسائل جوانان پایین نیست اما از مطلوبیت بالایی نیز برخوردار نمی‌باشد. بیش از نیمی از والدین مورد مطالعه در زمینه حل مسئله جوانان پایین‌تر از سطح اثربخشی قرار دارند.

واژگان کلیدی: حل مسئله، جوانان، والدین، خانواده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دکتر محمدتقی ایمان

دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه
شیراز

** حسین افراسیابی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

در طی سالها، اندیشمندان بر اهمیت خانواده بعنوان نهادی که انجام کارکردهای اساسی را برای افراد و جوامع به عهده دارد، تأکید کرده‌اند (Bubloz, 2001:129). داشتن یک جامعه سالم را منوط به دارا بودن خانواده‌های مستحکم دانسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶). خانواده نهادی اجتماعی است که همانند آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی‌های اجتماعی است، از طرف دیگر خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جامعه است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت برسد، مگر آنکه از خانواده‌های سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

بر اساس اطلاعات موجود از جامعه ایران و نقش خانواده در آن، افراد در خانواده پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند و با وجود تفاوت‌هایی که با هم دارند، از طریق خانواده با یکدیگر مرتبط می‌شوند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۶۰). خانواده در ایران دارای ویژگی خاصی است که در اثر آن رابطه میان زن، مرد و فرزندان، رابطه‌ای تلقی می‌شود که سایرین اجازه دخالت در آن ندارند. محدوده خصوصی خانواده و روابط میان افراد، تنها به محیط خانواده ختم نمی‌شود، بلکه خصلت خصوصی بودن رفتار خانوادگی مهم‌تر از مکان رخ دادن آن است، به طوری که حتی اگر رفتار خانوادگی در اماکن عمومی نیز صورت گیرد، دیگران از دخالت مستقیم در آن خودداری می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۳۴).

به دلیل ماهیت پیچیده و در حال تغییر جوامع، انسان امروزی خود را به طور مداوم با مسائل متعددی روبرو می‌بیند که باید با آنها انطباق یابد (Dzurilla and Goldfried, 1971: 111). اعضای خانواده نیز هر یک به تناسب سن، جنس و مسئولیت خود با مسائل و مشکلاتی روبرو هستند. برخی از مسائل و تعارضات اجتناب ناپذیرند و هر خانواده‌ای ممکن است با آن روبرو شود (Vuchinich, 1999: 154). وجود مسائل برای خانواده یک پدیده طبیعی (Normal) می‌باشد، اما آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار است، نوع برخورد اعضای خانواده با مسائل است. چنانچه مسائل و نیازهای اعضای خانواده در داخل خانواده حل نشود، اعضای خانواده که دارای مسئله‌ای هستند، ممکن است نیازهای خود را خارج از خانواده برآورده کنند (همان منبع). این وضعیت ممکن است نتایج منفی در بر داشته‌باشد و اعضای خانواده برای حل مسائل خود به گروه‌های منحرف یا افراد بزهکار متوسل شوند (همانجا). یافته‌های پژوهشی نشان داده که الگوهای کنش متقابل اعضای خانواده، روابط معناداری با بزهکاری جوانان دارد. بیشتر جوانان بزهکار در این نمونه مورد مطالعه، با والدین خود تعارضات و اختلافات آشکار داشته‌اند و در حالی که با والدینشان به سختی ارتباط برقرار می‌کرده‌اند، تعامل آنها با دوستانشان به سهولت انجام می‌گرفت (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). در برخی موارد فرزندان در اثر فشار خانواده به خرده فرهنگ‌های کز رفتار وارد می‌شوند (سختوت، ۱۳۷۷: ۸۸). والدین جوانان بزهکار در مقایسه با والدین جوانان غیر بزهکار، عمدتاً در برخورد با رفتارهای

فرزندان خود از مهارت کافی برخوردار نیستند. حتی در برخی موارد، نوع برخورد والدین، در گرایش فرزندان به رفتار بزهکارانه نقش مؤثری دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

برخورداری والدین از مهارت‌های لازم برای برخورد با مسائل و آشنایی اعضای خانواده با مهارت حل مسئله می‌تواند موجب کاهش تنش‌های درون خانواده و روبرویی اصولی و منطقی با مسائل و مشکلات اعضای خانواده شود. براساس تحقیقات صورت گرفته در مورد حل مسئله در خانواده، خانواده‌ها شیوه‌های متفاوتی در مورد حل مسئله دارند. برخی شیوه‌ها در این میان از اثربخشی بالایی برخوردار است به این معنا که خانواده را به حل مسئله نزدیک می‌کند و برخی از شیوه‌ها نیز نه تنها کمکی به حل مسئله نمی‌کند بلکه ممکن است به وخامت بیشتر اوضاع بینجامد. در زمینه مجموعه مراحل و شرایط اثربخش حل مسئله نظریه پردازان متعددی اظهار نظر کرده اند. در بررسی این نظریات می‌توان با استخراج و ترکیب اجزای موجود در نظریات مختلف به یک الگوی اثربخش مسئله یابی و حل مسئله در خانواده دست یافت. در این مقاله با بررسی نظریه‌های مختلف، الگوی اثربخش حل مسئله تدوین شده و در بین تعدادی از والدین مورد آزمون قرار گرفته است.

مسئله و حل مسئله

از مفهوم "مسئله" تعاریف گوناگونی توسط صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است. جان آلدوز مسئله خانواده را هر موقعیت یا شرایطی می‌داند که ارزش‌های خانواد (Family Values) یا اعضای آن را تهدید می‌کند. از نظر وی باید بیش از یک نفر از اعضای خانواده در فرآیند حل مسئله درگیر شوند تا فرآیند حل مسئله خانواده صورت گیرد (Aldous, 1971:269).

گاندی بر این باور است که "مسئله به موقعیتی گفته می‌شود که در آن یک شکاف بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد، وجود داشته باشد. درک این شکاف توسط اعضای خانواده دارای اهمیت است. در صورتی که خانواده شکاف موجود در یک موقعیت را درک نکند، مسئله‌ای ایجاد نمی‌شود (Gundy, 1981:3). از نظر وی فرآیند حل مسئله شامل برطرف کردن این شکاف می‌شود.

از نظر زوریلاوگولدفرد، اصطلاح مسئله اشاره به یک موقعیت یا مجموعه‌ای از موقعیت‌های مرتبط دارد که یک شخص به منظور کارکرد مؤثر در محیط خود باید به آن پاسخ گوید. از نظر این اندیشمندان، موقعیتی مسئله‌آمیز تلقی می‌شود که فرد در مواجهه با آن موقعیت، یک پاسخ فوری نداشته باشد. بنابراین تمام موقعیت‌هایی که دارای جنبه‌هایی جدید، پیچیده، مبهم یا متعارض باشند دارای مسئله هستند و نیازمند رفتار حل مسئله می‌باشند (D'zurilla and Goldfried, 1971:107-108). تعریف دیگری که این افراد در مورد مسئله ارائه کرده‌اند این است که مسئله زمانی وجود دارد که در راه دستیابی به یک هدف، برخی موانع فیزیکی یا اجتماعی وجود داشته باشد. حل مسئله فرآیندی است که الف- پاسخ‌های مؤثر و متعددی را برای برخورد با موقعیت مسئله آمیز فراهم می‌سازد ب- احتمال گزینش پاسخ مناسب را از بین گزینه‌های گوناگون افزایش می‌دهد (Ibid.108).

بدل و لنوکس معتقدند یک مسئله زمانی وجود دارد که یک شخص خواسته‌هایی دارد و نمی‌داند چگونه آنها را بدست آورد. یک مسئله می‌تواند تحت عنوان "یک خواسته برآورده نشده" تعریف شود (Bedell and Lennox, 1997: 162). حل مسئله فرآیندی است که به شخص در بدست آوردن و چگونگی بدست آوردن خواسته خود به روش مؤثر، کمک می‌کند (Ibid. 163).

سیف، مسئله را چنین تعریف می‌کند: "وقتی یادگیرنده با موقعیتی روبرو می‌شود که نمی‌تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاً پاسخ درست دهد، یا وقتی که یادگیرنده هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن هدف را نیافته است می‌گوییم با یک "مسئله روبروست (سیف، ۱۳۷۹: ۵۵۴)". "حل مسئله" را می‌توان به صورت تشخیص و کاربرد دانش و مهارت‌هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود، تعریف کرد. بنابراین عنصر اساسی حل مسئله، به کار بستن دانش‌ها و مهارت‌های قبلاً آموخته شده در موقعیت‌های تازه است (همانجا).

از نظر گوردون، افراد زمانی که سعی می‌کنند خود را با زندگی تطبیق دهند، بدون شک با مسائل روبرو می‌شوند (گوردون، ۱۳۸۳: ۹۳). زمانی که فرد احتیاجاتش برآورده نشده یا از رفتارش راضی نیست، مسئله وجود دارد (همان: ۹۰).

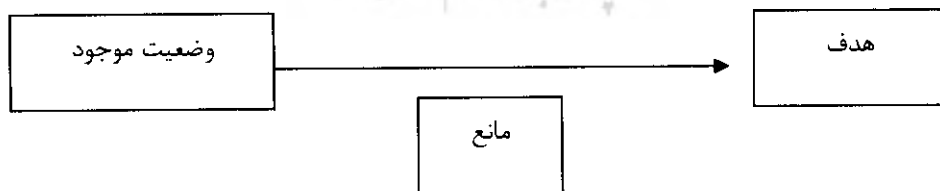
واکینک بر این باور است که مسائل خانواده شامل شرایطی می‌شود که مانع دستیابی خانواده یا اعضای آن به اهداف خود می‌شود. این شرایط ممکن است شامل رفتارها، قواعد، انتظارات، نگرش‌ها، روابط، ساختارهای اجتماعی، الگوهای کنش و یا شرایط بیرون از خانواده شود (Vuchinich, 1999:11). بر این اساس برای هر فرد یا خانواده زمانی یک مسئله وجود دارد که یک عامل یا دسته‌ای از عوامل مانع دستیابی افراد یا خانواده به هدف شوند.

موقعیت مسئله آمیز (Problematic Situation)



حل مسئله شامل از بین بردن شرایطی است که مانع دستیابی به اهداف می‌شود:

حل مسئله (Problem Solving)



همان‌طور که دیده شد در مورد اینکه مسئله چیست و به چه موقعیتی مسئله آمیز گفته می‌شود، در بین صاحب نظران مختلف، توافق نظر نسبی وجود دارد. براین اساس می‌توان گفت فرد یا خانواده در شرایطی دچار مسئله می‌شوند که در راه دستیابی به اهداف، خواسته‌ها و نیازهایش با موانعی روبرو شود.

حل مسئله، به فرایندی اطلاق می‌شود که رفع موانع و دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان را تسهیل می‌نماید.

الگوی اثربخش حل مسئله

بر اساس نظرات اندیشمندان مختلف الگوی اثربخش حل مسئله سه بعد اصلی را در بر می‌گیرد.
۱- بعد رفتاری ۲- بعد جهت‌گیری ۳- بعد نظر خواهی.

۱- بعد رفتاری

صاحب نظران مختلف در مورد فرایند رفتاری حل مسئله که برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ توسط جان دیویی مطرح شد، توافق عمومی دارند. فرایند حل مسئله از طرف این صاحب نظران بعنوان یک الگوی ایده‌آل برای حل مسئله مطرح شده است. این فرایند دارای شش مرحله می‌باشد:

الف - تشخیص مسئله (Problem Recognition): اولین گام در حل مسئله می‌باشد.

توانایی تشخیص مسئله برای مراحل بعدی دارای اهمیت بنیادی است (Bedell and Lennox, 1997: 167). تشخیص مسئله در خانواده از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد. الف-مسئله متعلق به چه کسی است یا مالک مسئله چه کسی است ب-مسئله واقعی از مسئله ظاهری بازشناخته شود زیرا در بسیاری از مواقع آنچه به ظاهراً به نظر می‌رسد مسئله باشد، فقط یک مسئله ظاهری است (گوردون، ۱۳۸۳).

ب - تعریف مسئله (Problem Definition): دومین گام اساسی در حل مسئله، تعریف

مسئله است، افراد پس از تشخیص مسئله باید مسئله را طوری تعریف کنند که قابل حل باشد (Bedell and Lennox, 1997: 143). زمانی که یک مسئله به شکل قابل فهمی تعریف شد، امکان راه حل پیدا می‌کند. در تعریف مسئله افراد باید خواسته و اهداف خود را بطور روشن مشخص نمایند. در این مرحله باید روشن شود که چه چیزی؟ کجا؟ برای چه کسی؟ کی؟ چگونه؟ و چرا؟ رخ داده است.

ج - ایجاد راه حل‌های متعدد (Generation of Solutions): پس از تشخیص و تعریف

دقیق مسئله، در فرایند حل مسئله لازم است تا اعضای خانواده که درگیر مسئله‌اند، در یک جلسه خانوادگی راه‌های حل‌هایی را که به نظرشان می‌رسد مطرح کنند. در این مرحله، حداکثر راه‌های ممکن، بدون هر گونه انتقاد یا ارزیابی ارائه می‌شود. در این مرحله کمیت دارای اهمیت است (D'zurilla and Goldfried, 1971: 114).

د - ارزیابی و انتخاب راه‌ها (evaluation and Selection): در این مرحله، راه

حل‌های ارائه شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. هر راه حل براساس چهار معیار ارزیابی می‌شود: - آیا راه حل هدف یا خواسته مشخص شده را برآورده می‌سازد؟ - آیا راه حل مورد نظر نسبت به خواسته‌ها و اهداف سایر افراد حساسیت دارد؟ - آیا راه حل از نظر قانونی و اجتماعی قابل پذیرش است؟ و نهایتاً اینکه آیا راه حل در حد توان و امکانات

افراد و خانواده است؟ خانواده براساس این معیارها، راه حل مناسب را انتخاب می‌کند.
(Bedell and Lennox, 1997: 184)

ه- اجرای راه حل: در این گام از حل مسئله، راه حل انتخاب شده همراه با برنامه‌ریزی و تعهد افراد به اجرا در می‌آید. در این مرحله، راه حل انتخابی، به‌طور کامل توسط افراد یا فرد مسئول اجرا می‌شود.

و- ارزیابی موفقیت: پس از اجرای راه حل، باید مشخص شود که راه حل مورد نظر تا چه اندازه توانسته است، مسئله را حل کرده و خواسته‌ها و اهداف افراد را برآورده سازد. تمام تصمیمات اولیه‌ای که با این روش اتخاذ می‌شوند، در عمل خوب از کار در نمی‌آیند. گاهی اوقات نیز این کنترل نهایی، اطلاعات جدیدی بدست می‌دهد که در نتیجه آنها، لازم است، تصمیم اولیه تغییر کند (گوردون، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

۲- جهت گیری (Orientation)

انسانها در برابر مسائل زندگی، جهت‌گیری‌های متفاوتی دارند و با توجه به این جهت‌گیری‌ها، با آن مسائل برخورد می‌کنند. اندیشمندان بر این باورند که افراد موفق در حل مسئله، این واقعیت را می‌پذیرند که موقعیت‌های مسئله‌آمیز، بخش طبیعی (Natural) زندگی انسان هستند (Bedell And Lennox, 1997: 164; D'Zurilla And Goldfried, 1971: 112). چنانچه خانواده‌ها به هر مسئله‌ای به‌عنوان یک تنبیه بنگرند و بخاطر آن خود را سرزنش کنند، در حل مسئله دچار شکست می‌شوند (خاوری: ۱۴۹). از سوی دیگر باید گفت که حل مسئله یک عمل همراه با فشار (Stress) است و تا زمانی که افراد ترجیح دهند از فشار موجود در طول فرایند حل مسئله اجتناب کنند، قادر به حل مسائل نخواهند بود (Newman, 1995: 25). بلوم و برودر (Bloom and Brooder)، در تحقیقات خود دریافته‌اند که افراد موفق در حل مسئله، نسبت به افرادی که در حل مسئله موفق نیستند، اعتماد بیشتری به توانایی خود در حل مسائل دارند (D'Zurilla and Goldfried, 1971: 112). افرادی که فکر مقابله با مسئله فلجشان می‌کند و احساس می‌کنند که از توان کافی در حل مسئله بی‌بهره‌اند، در حل مسئله دچار شکست می‌شوند (خاوری: ۱۴۹).

بخش دیگری از جهت‌گیری عمومی، به رویکرد افراد نسبت به راه‌حل‌ها مربوط می‌شود. برخی مواقع فکر کردن در مورد بیش از یک راه حل، مشکل است. در حقیقت این مشکل ممکن است به خاطر این باشد که مردم یاد گرفته‌اند که در مورد راه حل مسائل به روش خاصی فکر کنند و فراموش کنند که راه‌های متفاوتی برای حل یک مسئله وجود دارد (Bedell and Lennox, 1997: 181). هیچ چیز به اندازه این باور که در روابط انسانی هر مسئله‌ای فقط یک راه حل دارد، باعث شکست فرایند حل مسئله نمی‌شود (گوردون، ۱۳۸۱: ۲۶۳). یکی از اصول اساسی در موفقیت حل مسئله از نظر بیدل و لنوکس، این است که افراد بپذیرند که اغلب مسائل، قابل حل هستند (Bedell and Lennox, 1997: 164).

۳- نظر خواهی (Perspective Taking)

برای مسئله یابی و حل مسئله در خانواده علاوه بر اینکه اعضا باید فرایند رفتاری مناسبی را طی کنند و جهت گیری مثبتی را اتخاذ نمایند، باید نظرات و دیدگاههای اعضای مختلف را مورد توجه قرار دهند. به این منظور قبل از هر چیز نسبی گرایی (Relativism) افراد، در مورد نظرات مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است. در هر مورد مفروضی، هر یک از اعضای خانواده باید بپذیرند که نظریات "شما" و نظریات "من" لزوماً مبین واقعیت و حقیقت قطعی نیست. هر دو "ما" ممکن است به اندازه هم، به حق یا بر خطا یا نقطه‌ای بین این دو باشیم (خاوری: ۱۵۵). این امر مستلزم آن است که اعضای خانواده شنونده‌های خوبی باشند. گوش دادن (Active Listening)، افراد را در اولین مرحله حل مسئله به راه می‌اندازد (گوردون، ۱۳۸۳: ۱۲۵). به اعتقاد وی، انسان وقتی بتواند درباره مشکلی حرف بزند، بسیار بهتر و زودتر موفق به حل آن می‌شود، تا اینکه فقط درباره‌اش فکر کند. چون گوش دادن در تسهیل گفتن موثر است، به شخص در جستجوی راه حل مسائلش، کمک می‌کند (همان: ۸۴). البته باید گفت که بین "شنیدن" (Hearing) و "گوش دادن" (Listening) تفاوت وجود دارد. واژه "شنیدن" برای این منظور به کار می‌رود که جریان کارهای حسی فیزیولوژیک را که بوسیله گوش‌ها دریافت و به مغز فرستاده می‌شود، توصیف کند. اما "گوش دادن" به یک روند پیچیده‌تر روانی اطلاق می‌شود که نیازمند درک و تفسیر یک تجربه حسی است (بولتون، ۱۳۸۰: ۴۹).

جهت بررسی تجربی ابعاد سه گانه حل مسئله یک طیف مشتمل بر ۵۲ گویه به شیوه طیف لیکرت طراحی و بر روی تعدادی از والدین مورد بررسی قرار گرفت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس رویکرد کمی تحقیق صورت گرفته است و از شیوه پیمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مورد مطالعه، در این پژوهش، خانواده‌های ساکن شهر مرودشت می‌باشند. این شهر در مرکز استان فارس و در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال شیراز واقع شده است. شهر مرودشت، بر اساس آخرین سرشماری رسمی تعداد ۲۰۳۹۰ خانوار را شامل می‌گردد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). بر اساس فرمول آماری کوکران ۳۸۵ خانواده بعنوان نمونه انتخاب شد و در هر خانواده یکی از والدین به سوالات پرسشنامه پاسخ داد.

شیوه نمونه گیری

در این پژوهش، از شیوه نمونه گیری چند مرحله ای (Multistage Sampling) برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. این روش برای بدست آوردن نمونه نهایی، مستلزم چندین مرحله نمونه گیری است. با بکار بردن نمونه گیری چند مرحله ای، می‌توان یک نمونه معرف را انتخاب کرد و دقت برآورد مورد نظر را افزایش داد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۳: ۱۸۶). طبق این روش نمونه گیری، ابتدا شهر مرودشت به شش منطقه اقتصادی-اجتماعی (دو منطقه مرفه نشین، دو منطقه متوسط و دو منطقه فقیرنشین) تقسیم شده است. با توجه به این تقسیم بندی، از هر یک از این مناطق، بطور تصادفی (Random) چند بلوک

انتخاب و از درون هر یک از این بلوک ها تعدادی خانوار به شیوه تصادفی سیستماتیک نمونه گیری و مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این شیوه برای انتخاب خانواده ها ، تعداد خانواده های حاضر در هر بلوک بر تعداد نمونه مورد نظر در هر بلوک تقسیم شده و عددی که از این طریق حاصل گردید، فاصله هر نمونه را از نمونه بعدی مشخص می نمود. در زمان جمع آوری داده ها، چنانچه نمونه پیش بینی شده دارای فرزند ۱۳ تا ۲۹ ساله ای نبود، به نمونه بعدی مراجعه می شد.

روایی و پایایی طیف

روایی (Validity): در این پژوهش از پرسشنامه برای گردآوری داده ها استفاده شده است. طیف بکار گرفته شده در این مطالعه در ابتدا مشتمل بر ۹۳ گویه بوده است. در روند بررسی گویه ها در مطالعات مقدماتی، تعدادی از گویه ها با توصیه کارشناسان و متخصصین حذف شد. با توجه به اینکه گویه های درج شده در طیف با نظر مثبت کارشناسان و متخصصین حل مسئله در خانواده و جوانان همراه بوده، و همچنین تعدادی از اساتید و دانشجویان دوره های دکتری جامعه شناسی و روان شناسی روایی آن را تأیید نموده اند، روایی صوری برای این طیف لحاظ می گردد. تعدادی از گویه ها نیز بعد از آزمون مقدماتی به دلیل همبستگی پایین با طیف حذف شد. از طرفی نیز در جهت آزمون روایی سازه ای، همبستگی پیروسون بین هر یک از ابعاد (رفتاری، جهت گیری و نظرخواهی) و طیف کلی محاسبه گردید. چنانکه در جدول ۱ مشاهده می گردد، همبستگی ابعاد رفتاری، جهت گیری و نظرخواهی با طیف کلی اثربخشی حل مسئله به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۱ و ۰/۸۹ می باشد و در هر سه مورد نیز همبستگی در سطح ۰/۹۹ اطمینان از نظر آماری معنا دار است. از آنجا که این همبستگی ها در سطح بسیار مطلوبی می باشند، می توان گفت طیف، از اعتبار درونی قابل قبولی نیز برخوردار می باشد.

جدول ۱- آزمون همبستگی پیروسون (Pearson Correlation) طیف اثربخشی حل مسئله و ابعاد آن

نظرخواهی		جهت گیری		رفتاری		ابعاد
		SIG	R	SIG	R	
SIG	R	SIG	R	SIG	R	طیف
۰/۰۰۰	۰/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۹۵	اثربخشی الگوی حل مسئله

پایایی (Reliability): جهت بررسی پایایی طیف الگوی اثربخشی حل مسئله ، آزمون آلفای کرونباخ بکار گرفته شد. جدول ۲ نشان دهنده نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد و طیف کلی می باشد. چنانکه در جدول نیز مشاهده می شود، آلفای کرونباخ برای بعد رفتاری ۰/۸۶، برای بعد جهت گیری ۰/۷۷، برای بعد نظرخواهی برابر با ۰/۸۲ محاسبه شده است. آلفای کرونباخ برای طیف کلی نیز ۰/۹۱ است.

جدول ۲- آزمون پایایی طیف اثربخشی الگوی حل مسئله و ابعاد آن

ابعاد	تعداد نمونه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
رفتاری	۳۸۵	۲۶	۰/۸۶
جهت گیری	۳۸۵	۱۳	۰/۷۷
نظر خواهی	۳۸۵	۱۳	۰/۸۲
طیف کلی	۳۸۵	۵۲	۰/۹۱

یافته ها

طیف الگوی اثربخش حل مسئله که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است از ۵۲ گویه تشکیل شده است. این طیف مشتمل بر سه بخش می باشد، که ابعاد سه گانه (رفتاری، جهت گیری و نظر خواهی) اثربخشی الگوی حل مسئله را می سنجد.

اولین بخش این طیف، مربوط به جهت گیری است. این بخش از ۱۳ گویه تشکیل شده که مجموعاً جهت گیری والدین را نسبت به مسائل زندگی می سنجد. در جدول شرح کاملی از گویه ها و پاسخ های والدین آمده است. دومین بخش این طیف، بعد نظر خواهی است. سومین بخش نیز مربوط به بعد رفتاری است. این بعد شامل ۲۶ گویه است که رفتار والدین را در زمان حل مسئله مورد پرسش قرار می دهد. در جدول شماره ۳ گویه ها و پاسخ والدین (درصد) به هر یک از گویه ها آمده است. قبل از طرح هر دسته از گویه ها از والدین خواسته شده تا با توجه به عملکرد خود در زمان روبرویی جوان خانواده با مسئله و شکست وی در رسیدن به خواسته ها و اهدافش، پاسخ دهند.

جدول ۳- طیف اثربخشی الگوی حل مسئله والدین در زمینه مسائل جوانان

پکاملا مخالف	مخالف	نظری ندارم	موافق	کاملاً موافق	الف - گویه های بعد جهت گیری
۹/۴	۲۰/۸	۳۹	۲۱/۸	۹/۱	۱- سعی میکنم در همان دقیقه های اول مسئله را حل کنم.
۱۳/۲	۲۴/۹	۲۳/۶	۲۸/۳	۹/۹	۲- مسائل و مشکلات زندگی را تنبیه و عذاب الهی میدانم.
۳۱/۴	۴۰/۸	۱۴	۸/۸	۴/۹	۳- مسائل و مشکلات، جزئی از زندگی هر انسانی است.
۱۹/۵	۳۶/۱	۱۱/۴	۱۷/۷	۱۵/۳	۴- انسانهای خوشبخت مشکلی در زندگی ندارند.
۱۱/۷	۳۰/۴	۳۰/۹	۱۸/۴	۸/۶	۵- مسائل و مشکلات را ناشی از بدشانسی خود خانواده ام میدانم.
۲۰/۸	۳۹/۲	۱۶/۴	۱۶/۶	۷	۶- اغلب مسائل زندگی راه حلی ندارند.
۱۵/۳	۴۵/۷	۱۵/۳	۱۷/۷	۶	۷- برای رسیدن به هر هدف یا خواسته ای فقط یک راه وجود دارد.
۱۷/۱	۳۶/۹	۲۲/۳	۱۶/۱	۷/۵	۸- راه حل ها شانس هستند.

۱۵/۳	۴۶/۸	۱۴/۸	۱۶/۱	۷	۹- من توانایی حل مسائل زندگی را دارم.
۸/۸	۲۱/۳	۲۳/۴	۳۶/۶	۹/۹	۱۰- در زمان برخورد با یک مشکل به سختی نگران میشوم.
۱۳/۲	۳۴/۳	۲۶/۸	۱۶/۱	۹/۶	۱۱- مسائل در اختیار ما نیست که بتوانیم آنها را حل کنیم.
۲۸/۸	۴۲/۱	۱۲/۵	۱۲/۵	۴/۲	۱۲- هر مسئله یا مشکلی را از راه های مختلفی می توان حل نمود.
۱۲/۵	۲۷/۳	۲۷/۳	۲۳/۴	۹/۶	۱۳- فکر کردن به مشکلات زندگی مرا فلج می کند.
					ب- گویه های بعد نظر خواهی
					همیشه
					بیشتر اوقات
					بعضی اوقات
					به ندرت
					هیچ وقت
۲۰/۸	۴۷/۳	۲۰/۳	۷	۴/۷	۱۴- برای شنیدن حرف های فرزندم آمادگی کامل دارم.
۱۹/۵	۳۵/۶	۲۶/۸	۱۳	۵/۲	۱۵- از صرف وقت برای شنیدن حرف های فرزندم خودداری میکنم.
۳۰/۶	۳۴	۲۰/۵	۸/۳	۶/۵	۱۶- سنگ صبور فرزندم هستم.
۱۳	۲۳/۶	۳۸/۷	۱۷/۹	۶/۸	۱۷- وقتی که او در حال صحبت کردن است من مشغول کار دیگری هستم.
۲۲/۳	۴۳/۴	۲۲/۹	۶/۲	۵/۲	۱۸- با آرامش و دقت به صحبت های او گوش می دهم.
۱۷/۹	۳۹	۲۵/۷	۱۳	۴/۴	۱۹- از فرزندم میخواهم تادرمورد خواسته ها و نیازهایش برایم حرف بزنند.
۲۲/۳	۳۰/۶	۲۸/۳	۱۱/۲	۷/۵	۲۰- در مسائل مربوط به فرزند جوانم با خود اومشورت می کنم.
۱۵/۳	۴۱/۸	۲۶	۱۰/۹	۶	۲۱- سعی می کنم نظر تک تک اعضای خانواده را در مورد راه حل مشکل جویا شوم.
۱۶/۴	۲۲/۱	۳۰/۴	۲۲/۶	۸/۶	۲۲- اگر فرزندم نظری مخالف نظر من مطرح کند، ناراحت می شوم.
۱۵/۸	۱۷/۹	۳۳/۲	۲۵/۲	۷/۸	۲۳- با توجه به سن و وسال و تجربیاتم ، نیازی به نظرات او ندارم.
۶/۸	۱۱/۲	۳۱/۹	۳۳	۱۷/۱	۲۴- پدر و مادر بهتر از جوان میتوانند صلاح او را تشخیص دهند.
۲۳/۶	۳۷/۴	۲۶/۵	۶/۵	۶	۲۵- در زمان تصمیم گیری در مورد مسائل فرزندم، خواسته های او را مورد توجه قرار می دهم.
۲۰/۸	۳۱/۴	۲۸/۳	۱۲/۵	۷	۲۶- وقتی فرزندم اظهار نظر می کند می ترسم روی سرم سوار شود.
					ج- گویه های بعد رفتاری
					همیشه
					بیشتر اوقات
					بعضی اوقات
					به ندرت
					هیچ وقت
۱۶/۴	۱۶/۹	۳۷/۹	۲۲/۱	۶/۸	۲۷- از او می خواهم تا از خواسته اش چشم پوشی کند.
۸/۱	۱۹	۳۳/۸	۲۸/۸	۱۰/۴	۲۸- یک راه حل آماده به او می دهم.
۱۳/۲	۲۱/۳	۳۳	۲۱/۶	۱۰/۹	۲۹- کاری می کنم که مسئله را فراموش کند.

۴۸/۶	۲۲/۶	۱۳/۵	۹/۴	۶	۳۰- از او می خواهم تا سراغ یک دعا نویس برویم.
۱۰/۹	۱۴	۴۳/۱	۲۳/۶	۸/۳	۳۱- از او می خواهم تا دستورات من را به کار بگیرد.
۱۹/۵	۲۷	۳۲/۲	۱۳	۸/۳	۳۲- به سرنوشت و تقدیر می سپارم.
۱۷/۴	۲۱/۶	۳۴/۵	۱۹/۲	۷/۳	۳۳- او را مجبور می کنم تا به حرف های من عمل کند
۱۰/۶	۳۰/۶	۳۷/۷	۱۴/۸	۶/۲	۳۴- زمان زیادی را صرف روشن کردن جنبه های مختلف مسئله میکنم.
۹/۴	۲۰/۸	۳۹	۲۱/۸	۹/۱	۳۵- از دخالت در کار او خودداری می کنم.
۱۹	۳۶/۹	۲۷/۸	۱۰/۴	۶	۳۶- دقیقاً مشخص می کنم که خواسته یا نیاز فرزندم چیست
۲۴/۲	۳۹	۱۸/۴	۱۱/۴	۷	۳۷- تلاش میکنم تا علت دقیق شکست او را روشن کنم.
۱۵/۸	۳۴	۳۳/۵	۱۱/۴	۵/۲	۳۸- در مورد هر مشکلی قبل از اینکه خودم راه حلی ارائه کنم، اجازه می دهم او تعدادی راه حل مطرح کند.
۲۱/۸	۳۴/۸	۲۵/۷	۱۰/۹	۶/۸	۳۹- دقیقاً مشخص می کنم که چه عاملی مانع دستیابی او به هدفش شده است.
۱۳/۸	۱۶/۱	۳۹/۷	۲۰/۳	۱۰/۱	۴۰- اولین راه حل بری من بهترین راه حل است.
۱۴/۸	۳۴/۳	۳۰/۱	۱۴	۶/۸	۴۱- تعداد زیادی راه حل برای مسئله گردآوری می کنم.
۲۹/۴	۳۵/۳	۲۲/۳	۷/۸	۵/۲	۴۲- راه حلی را ترجیح می دهم که او را به خواسته هایش برساند.
۱۹/۵	۳۳	۳۰/۱	۱۱/۴	۶	۴۳- راه حل های مختلف را با هم مقایسه می کنم.
۳۹/۵	۲۸/۶	۱۶/۱	۱۰/۶	۵/۲	۴۴- راه حلی را انتخاب می کنم که با موقعیت و امکانات خانواده تناسب داشته باشد.
۱۷/۴	۱۹/۲	۳۵/۳	۲۰/۳	۷/۸	۴۵- راه حل مورد علاقه خودم را انتخاب می کنم.
۲۱/۸	۳۴/۳	۲۶/۲	۱۰/۱	۷/۵	۴۶- برای اجرای کارها برنامه ریزی می کنم.
۱۵/۸	۴۶/۸	۲۳/۶	۸/۸	۴/۹	۴۷- برای انجام امور وظایف هر کسی را دقیقاً مشخص میکنم.
۸/۱	۲۰/۵	۳۹/۲	۲۲/۱	۱۰/۱	۴۸- بعد از برطرف شدن هر مشکلی آن را برای همیشه فراموش می کنم.
۲۰/۸	۳۵/۱	۲۹/۶	۹/۱	۵/۵	۴۹- از نتایج مشکلات و مسائل بعنوان تجربه ای برای مسائل دیگر استفاده میکنم.
۱۵/۶	۲۷	۳۳/۵	۱۳/۸	۱۰/۱	۵۰- اگر راه حلی برای مسئله فرزندم بدهم و غلط از آب دربیاید حاضرم حرف خودم را پس بگیرم.
۱۶/۱	۳۴/۵	۳۳/۲	۱۱/۴	۴/۷	۵۱- بعد از اجرای راه حل، موفقیت یا شکست آن را پیگیری می کنم.
۲۰/۸	۴۲/۹	۲۲/۱	۸/۱	۶/۲	۵۲- به خواسته ها و نیازهای او توجه کامل دارم

* اعداد جدول به صورت درصد آمده است.

در بررسی پاسخ های والدین به گویه های طیف الگوی اثربخش حل مسئله، پاسخ آنها به برخی از گویه ها قابل تأمل می باشد. بعنوان مثال در مورد گویه شماره ۳ بیش از ۷۲ درصد والدین با اینکه مسائل و مشکلات، جزئی از زندگی هراتسانی است، مخالفت کرده اند. این نوع نگاه به مسائل زندگی بسیار آسیب زا و نگران کننده می باشد. و می تواند در برخورد با مسائل زندگی فرد و خانواده را با مشکل مواجه نماید. در مورد گویه شماره ۹ نیز همین ضعف از طرف والدین به چشم می خورد. و بیش از ۶۲ درصد والدین ابراز کرده اند که توان حل مسائل زندگی را ندارند. این طرز تفکر هر چند می تواند تا حدودی ناشی از واقع بینی والدین نسبت به تاثیر عوامل ساختاری در حل مسائل باشد، زیرا منابع محدود والدین و تکرار تجربه شکست در حل مسائل فرزندان که بیشتر آنها نیز به ساختارها باز می گردد، آنها را به این تجربه می رساند، (این تفکر تا اندازه ی در گویه شماره ۱۱ به چشم می خورد) اما می تواند مانع عمده ی در راه حل مسائل به حساب آید. زیرا فرد چنانچه بر این تصور باشد که نمی تواند مسئله ی را حل کند و در این زمینه به توانایی های خود اعتماد نداشته باشد، وارد شدن در فرایند حل مسئله کاری بیهوده به نظرش می رسد. در گویه ۱۲ نیز نزدیک به ۷۱ درصد والدین با اینکه مسائل را می توان از راه های متعددی حل کرد، مخالفت نموده اند. این شیوه نگرش نسبت به راه حل مسائل نیز می تواند مانع عمده ی در راه ایجاد راه حل های متعدد در زمان روبرویی با مسائل به حساب آید. زیرا یکی از پیش شرط های اساسی در حل هر مسئله ی در زندگی انسانی مستلزم این است که به راه حل های مختلف توجه شود و بهترین آنها انتخاب شود.

در گویه شماره ۱۴ چنان که ملاحظه می گردد، بیش از ۶۸ درصد والدین به ندرت بری شنیدن صحبت های فرزند جوانشان آمادگی کامل دارند و یا هیچ وقت آمادگی ندارند. بررسی گویه های ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ نیز حاکی از آن است که بیشتر والدین وقت کافی را بری شنیدن حرف های فرزندشان اختصاص نمی دهند. این پاسخ ها حاکی از آن است که والدین فقط یاد گرفته اند که برای جوانان حرف بزنند و زمانی برای شنیدن ندارند. این نوع رفتار باعث آسیب های جبران ناپذیری در روابط والدین و فرزندان و همچنین ایجاد اختلال در مسئله یابی و حل مسئله می گردد. والدین چگونه می توانند به مسائل واقعی (نه ظاهری) جوانان پی ببرند در حالی که وقت کافی را برای شنیدن حرف ها و درد دل های جوان اختصاص نمی دهند؟ طبیعی است که با این وضعیت روز به روز جوانان از والدین فاصله بگیرند و شکاف نسل ها روز به روز عمیق تر گردد.

در بررسی گویه شماره ۲۰ بیش از ۵۳ درصد از والدین با فرزند خود در زمینه مسائلی مشورت نمی کنند یا به ندرت مشورت می کنند. همچنین در گویه ۲۱ نیز این وضعیت نمایان است، و بیش از ۵۶ درصد والدین نظر اعضای خانواده را به ندرت جویا می شوند یا هیچ وقت جویا نمی شوند. در حالی که فرایند حل مسئله بدون مشورت و نظر اعضای درگیر در مسئله هیچ پیشرفتی نخواهد داشت. در پاسخ والدین به گویه شماره ۲۴، بیش از نیمی از والدین اظهار کرده اند که همیشه یا بیشتر اوقات بهتر از جوان می توانند صلاح او را تشخیص دهند. و بیش از ۶۱ درصد در گویه ۲۵ اظهار نموده اند که در زمان تصمیم گیری در مورد مسائل جوان به ندرت خواسته های او را مورد توجه قرار می دهند یا هیچ وقت مورد توجه قرار نمی دهند. این شرایط حاکی از عدم اعتماد اکثر والدین به جوانان و بی توجهی به نظرات و خواسته های آنان است.

در پاسخ به گویه شماره ۳۶ بیش از ۵۶ درصد والدین ابراز نموده اند که در زمان برخورد جوان با مسئله، نیاز و خواسته او را دقیقاً مشخص نمی کنند یا به ندرت این کار را می کنند. همچنین بر اساس پاسخ به گویه ۳۷، بیش از ۶۳ درصد والدین، علت دقیق شکست را نیز مشخص نمی کنند. از آنجا که در

حل مسئله، قبل از هر کاری باید مسئله را تعریف کرد و تعریف مسئله نیز مستلزم مشخص نمودن اهداف و موانع رسیدن به آنهاست، بر اساس پاسخ والدین به این دو گویه اغلب والدین در تعریف مسئله، روش درست را بکار نمی گیرند. این وضعیت آنان را در مسئله یابی با مشکلات بسیار مواجه می سازد.

در پاسخ به گویه شماره ۴۲ نزدیک به ۶۵ درصد والدین گفته اند که به ندرت راه حلی را انتخاب می کنند که جوان را به خواسته هایش برساند و یا هیچ وقت این گونه عمل نمی کنند. و این رفتار حاکی از بی توجهی والدین به خواسته های جوانان حتی در مواردی است که به مسائل خود جوانان مربوط می شود. حال چنانچه مسئله مورد بررسی در خانواده، به جوان مربوط نباشد، احتمالاً اصلاً اجازه هیچ گونه دخالتی به وی داده نمی شود. این نوع برخورد مانع جدی در راه حل مسائل و ایجاد راه حل های متعدد ایجاد می کند، زیرا حضور اعضای مختلف خانواده با تجربیات متنوع در جریان حل مسئله، می تواند در ایجاد راه حل های بدیع و کارساز، موثر واقع گردد.

بررسی گویه شماره ۴۶ نشان می دهد که بیش از ۶۶ درصد والدین در زندگی و مسائل مربوط به آن به ندرت برنامه ریزی کرده یا هیچ وقت برنامه ریزی نمی کنند. این ضعف اساسی در زندگی خانواده ها، می تواند باعث به هدر رفتن بخش قابل توجهی از منابع و امکانات و انرژی خانواده شده و سطح بهره وری را در خانواده کاهش می دهد.

راه حل انتخابی بیش از ۶۸ درصد والدین در مورد مسائل فرزندان، با امکانات خانواده، تناسب ندارد یا به ندرت تناسب دارد. این وضعیت از پاسخ والدین به گویه شماره ۴۴ نمایان است.

همچنین بیش از نیمی از والدین از نتایج مسائل بعنوان تجربه ی برای مسائل دیگر استفاده نمی کنند یا به ندرت استفاده می کنند. این شیوه عمل نیز هزینه و انرژی بسیاری را از خانواده و والدین به هدر می دهد. زیرا بسیاری از مسائل، ممکن است که به همان صورت یا به صورت مشابهی در آینده تکرار شود، و می توان از راه حل های مسائل مشابه گذشته بری حل آنها بهره گرفت و در انرژی و وقت خانواده و اعضای آن صرفه جویی نمود.

در جدول شماره ۴ نمره کاملی از دامنه، میانگین و انحراف معیار نمره کل پاسخگویان (۳۸۵ نفر) به تفکیک ابعاد و طیف کلی آمده است. چنانکه ملاحظه می گردد میانگین نمرات در طیف کلی اثربخشی حل مسئله ۱۷۵/۱۶، انحراف معیار ۲۲/۹۴۶ و دامنه تغییرات نیز برابر ۱۵۶ می باشد.

جدول ۴- نمره پاسخگویان از الگوی اثربخش حل مسئله و ابعاد آن

طیف	تعداد گویه	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
رفتاری	۲۶	۷۲	۸۷/۷۰	۱۳/۹۲۲
جهت گیری	۱۳	۴۳	۴۳/۱۴	۷/۸۶۴
نظرخواهی	۱۳	۵۰	۴۴/۳۳	۸/۱۸۲
طیف کلی	۵۲	۱۵۶	۱۷۵/۱۶	۲۲/۹۴۶

جدول ۵ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب مهم ترین مسئله جوان و طبقه اجتماعی نشان می دهد. چنانکه ملاحظه می گردد ۴۸/۱ درصد از کل پاسخگویان مهم ترین مسئله جوان خود را بیکاری، ۲۸/۳ امنیت اقتصادی، ۱۰/۶ درصد، تحصیل ۷/۵ درصد اوقات فراغت و ۵/۵ درصد نیز مهم ترین مسئله جوان خود را ازدواج دانسته اند. چنانکه در جدول بر اساس درصد طبقات مختلف نیز مشاهده می شود

بیشترین افراد در طبقات بالا، متوسط و پایین مهم‌ترین مسئله جوان خود را بیکاری دانسته‌اند از نظر طبقات اجتماعی، در طبقه بالا، بیشترین درصد فراوانی (۷۱/۴ درصد) متعلق به کسانی است که مسئله جوان خود را بیکاری دانسته‌اند. کمترین درصد نیز (۰ درصد) مربوط به کسانی است که مهم‌ترین مسئله را در زمینه تحصیل جوان خود دانسته‌اند. در طبقه متوسط بالاتر درصد مربوط به کسانی است که مهم‌ترین مسئله جوان خود را بیکاری دانسته‌اند با ۴۷/۹ درصد از طبقه و کمترین درصد نیز مربوط به افرادی است که مهم‌ترین مسئله جوان را ازدواج دانسته‌اند (۵/۵ درصد). در بین افرادی که خود را از طبقه پائین می‌دانند، نیز بالاترین درصد مربوط به کسانی است که مهم‌ترین مسئله جوانان را بیکاری می‌دانند (۴۴/۷ درصد) و کمترین درصد متعلق به افرادی است که مسئله مهم‌ترین مسئله جوان را اوقات فراغت می‌دانند (۴/۷ درصد).

چند نکته در این جدول قابل ملاحظه می‌باشد؛ نخست اینکه در تمام طبقات اجتماعی، بیکاری بعنوان مهم‌ترین مسئله جوان از دیدگاه والدین به حساب می‌آید. جالب اینجاست که در بررسی داده‌ها مشاهده شد که بسیاری از والدینی که هنوز فرزند آنها محصل است و در سنین زیر ۱۵ سال قرار دارد، نسبت به آینده شغلی فرزند خود به شدت ابراز نگرانی می‌کردند. این شرایط توجه بیشتر به مسئله بیکاری را طلب می‌نماید. نکته دیگر اینکه، مسئله امنیت اقتصادی بری طبقات پایین و متوسط، نسبت به طبقه بالا چشم‌گیرتر است. اوقات فراغت بری طبقه متوسط نسبت به سایر طبقات مهم‌تر است، و نهایتاً اینکه مسائل مربوط به تحصیل در نزد طبقه بالا مطرح نشده، و بیشتر در طبقه متوسط و پایین به چشم می‌خورد. ازدواج نیز از دیدگاه والدین طبقات مختلف در درجه آخر اهمیت در مسائل جوانان وجود دارد.

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مهم‌ترین مسئله جوان و هویت طبقاتی

مسئله جوان	طبقه بالا		طبقه متوسط		طبقه پایین		کل
	درصد از طبقه	درصد از کل	درصد از طبقه	درصد از کل	درصد از کل	تعداد	
بیکاری	۷۱/۴	۳/۴	۴۷/۹	۳۱/۷	۴۴/۷	۱۳	۴۸/۱
امنیت اقتصادی	۱۴/۳	۰/۷	۲۶/۸	۱۷/۷	۳۴/۱	۹/۹	۲۸/۳
تحصیل	۰	۰	۱۱/۳	۷/۵	۱۰/۶	۳/۱	۱۰/۶
اوقات فراغت	۷/۱	۱/۳	۸/۸	۵/۸	۴/۷	۱/۴	۷/۵
ازدواج	۷/۱	۱/۳	۵/۲	۳/۴	۵/۹	۱/۷	۵/۵
کل	۱۰۰	۴/۸	۱۰۰	۶۶/۲	۱۰۰	۲۹	۲۹۳

جدول شماره ۶ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب نمره به خود در زمینه حل مسائل فرزند جوان و جنس نشان می‌دهد. این جدول بر اساس یکی از سوالات پرسشنامه که از والدین خواسته بود تا خود را در حل مسائل فرزند جوانشان ارزیابی کنند، و بر این اساس به خودشان نمره ی بین ۰-۲۰ بدهند، تنظیم شده است (فکر می‌کنید تا چه حد در حل مشکلات فرزند جوان خود موفق بوده‌اید؟ اگر موفقیت کامل در این زمینه برابر با نمره ۲۰ باشد شما چه نمره ی به خود می‌دهید؟). همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، از کل پاسخگویان، ۷/۵ درصد آنها نمره رد (۹-۰) در حل مسئله جوانان به خود داده‌اند. ۲۸/۴ درصد، نمره ۱۴-۱۰، ۳۴/۸ درصد آنان نمره ۱۷-۱۵ و ۲۸/۸ درصد آنها نمره ۲۰-۱۸ به خود داده‌اند. از نظر جنسیت نیز مشاهده می‌شود که در بین مردان بیشترین درصد متعلق به مردانی است که

نمره ۱۴-۱۰ به خود داده‌اند. این افراد ۳۴/۵ درصد مردان را شامل می‌شود. کمترین درصد نیز (۶/۳ درصد) مربوط به مردانی است که از بین کل مردان به خود نمره ۹-۰ داده‌اند. در بین زنان، بیشترین درصد (۳۶/۳ درصد) مربوط به افرادی است که نمره ۱۷-۱۵ به خود داده‌اند و کمترین درصد نیز (۸/۹ درصد) متعلق به زنانی است که نمره ۹-۰ را به خود داده‌اند.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نمره به خود و جنسیت

کل		زن			مرد			جنسیت نمره به خود
درصد	تعداد	درصد از کل	درصد از زنان	تعداد	درصد از کل	درصد از مردان		
۷/۵	۲۹	۴/۲	۸/۹	۱۶	۳/۴	۶/۳	۱۳	۰-۹
۲۸/۸	۱۱۱	۱۰/۴	۲۲/۳	۴۰	۱۸/۴	۳۴/۵	۷۱	۱۰-۱۴
۳۴/۸	۱۳۴	۱۶/۹	۳۶/۳	۶۵	۱۷/۹	۳۳/۵	۶۹	۱۵-۱۷
۲۸/۸	۱۱۱	۱۵/۱	۳۲/۴	۵۸	۱۳/۸	۲۵/۷	۵۳	۱۸-۲۰
۱۰۰	۳۸۵	۴۶/۵	۱۰۰	۱۷۹	۵۳/۵	۱۰۰	۲۰۶	کل

جدول شماره ۷ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب میزان رنج از مسائل جوانان (تا چه میزان از مسائل و مشکلات فرزند جوان خود رنج می‌برید؟) و جنسیت نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول از کل پاسخگویان که به این سوال پاسخ داده‌اند، ۱۲۶ نفر (۳۷/۳ درصد) از مسائل مشکلات جوان خود خیلی زیاد، رنج می‌برند. ۱۳۱ نفر (۳۸/۸ درصد) زیاد، ۵۶ نفر (۱۶/۶ درصد) کم، ۱۵ نفر (۴/۴ درصد) خیلی کم رنج می‌برند. از بین کل پاسخگویان ۱۰ نفر (۳ درصد) افراد نیز اظهار کرده‌اند که اصلاً از مسائل جوان خود رنج نمی‌برند.

جدول ۷- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رنج از مسائل جوان و جنسیت

کل		زن			مرد			جنسیت میزان رنج
درصد	تعداد	درصد از کل	درصد از زنان	تعداد	درصد از کل	درصد از مردان		
۳۷/۳	۱۲۶	۱۶/۹	۳۷/۳	۵۷	۲۰/۴	۳۷/۳	۶۹	خیلی زیاد
۳۸/۸	۱۳۱	۱۶/۹	۳۷/۳	۵۷	۲۱/۹	۴۰	۷۴	زیاد
۱۶/۶	۵۶	۷/۱	۱۵/۷	۲۴	۹/۵	۱۷/۳	۳۲	کم
۴/۴	۱۵	۳	۶/۵	۱۰	۱/۵	۲/۷	۵	خیلی کم
۳	۱۰	۱/۵	۳/۳	۵	۱/۵	۲/۷	۵	اصلاً
۱۰۰	۳۳۸	۴۵/۳	۱۰۰	۱۵۳	۵۴/۷	۱۰۰	۸۵	کل

جدول شماره ۸ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب سطح اثر بخشی الگوی حل مسئله و جنسیت نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌گردد، در حل مسئله جوانان از کل پاسخگویان ۷/۵ درصد بسیار

غیراثربخش ، ۴۳/۱ درصد غیراثربخش ، ۴۳/۹ درصد اثربخش و ۵/۵ درصد نیز بسیار اثربخش‌اند. در بین درصدهای کل، بالاترین درصد متعلق به مردانی است که اثربخش‌اند (۲۸/۶ درصد) و کمترین درصد نیز مربوط به زنانی است که اثربخش (۱/۳ درصد) می‌باشد.

از نظر جنسیت، ۶/۳ از مردان و ۸/۹ درصد از زنان بسیار غیراثربخش‌اند. ۱۷/۴ از مردان و ۲۵/۷ از زنان غیراثربخش ، ۲۸/۶ از مردان و ۱۵/۳ از زنان اثربخش‌اند. و نهایتاً افرادی که در حل مسئله بسیار اثر بخش‌اند ۴/۲ از مردان و ۱/۳ از زنان را در بر می‌گیرند.

جدول ۸- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح اثربخشی حل مسئله و جنسیت

کل		زن			مرد			جنسیت اثربخشی
		درصد از کل	درصد زنان	تعداد	درصد از کل	درصد از مردان	تعداد	
۷/۵	۲۹	۴/۲	۸/۹	۱۶	۳/۴	۶/۳	۱۳	بسیار غیراثربخش
۴۳/۱	۱۶۶	۲۵/۷	۵۵/۳	۹۹	۱۷/۴	۳۲/۵	۶۷	غیراثربخش
۴۳/۹	۱۶۹	۱۵/۳	۳۳	۵۹	۲۸/۶	۵۳/۴	۱۱۰	اثربخش
۵/۵	۲۱	۱/۳	۲/۸	۵	۴/۲	۷/۸	۱۶	بسیار اثربخش
۱۰۰	۳۸۵	۴۶/۵	۱۰۰	۱۷۹	۵۳/۵	۱۰۰	۲۰۶	کل

نتیجه‌گیری

جان دیویی، فیلسوف آمریکایی بر این باور بود که فلسفه را باید از اینکه ابزاری برای حل مسائل ذهنی فلاسفه باشد، دور نگه داشت و از آن بعنوان ابزاری برای حل مسائل تمامی افراد بشر استفاده کرد. شاید مهم‌ترین تأکید دیویی، بر پایه‌ریزی "قانونهای خردمندانه شناخته شده جهانی" بود (بولتون، ۱۳۸۰:۳۸۲). دیویی مدعی بود که این قانونها می‌توانند مردم را در حل اختلافات و دشواری‌ها کمک کنند. وی بر این مینا فرایندی پنج مرحله‌ای را ارائه کرد که به تفکر بهتر افراد بشر کمک شایانی می‌نماید و به گفته خود او، تفکر بهتر و در نتیجه سبک کردن و تخفیف مسائل اجتماعی را به همراه خواهد داشت (Vuchinich, 1999). مراحل پنجگانه مورد نظر وی عبارتند از: تشخیص مسئله، تعریف مسئله، ارائه راه حل هی متعدد، ارزیابی راه‌حل‌ها و اجرای راه حل. این فرایند، احتمال گزینش راه حل مناسب را از بین راه حل‌های گوناگون افزایش می‌دهد. فرایندی که امروزه تحت عنوان "حل مسئله" از آن نام برده می‌شود، هر چند توسط دیویی نظریه پردازی و معرفی شد، اما باید گفت این فرایند از ابتدای حیات انسان با وی بوده است. فرایند حل مسئله، انسان ابتدایی را در گذشتن از موانع طبیعی و رسیدن به اهداف و برآورده شدن نیازهایش همراهی می‌کرده و تا امروز در اعصار مختلف، انسانها در حل مسائل خود در سطوح خرد، میانه و کلان به صورت آگاهانه و ناآگاهانه به آن متوسل شده، و در قالب فردی، نهادی و اجتماعی بکار گرفته‌اند.

زندگی انسان سراسر حل مسئله است (Popper, 1999) و یکی از نهادهای اساسی درگیر با مسائل مختلف، که حل مسئله را بکار گرفته، خانواده است. از آنجا که اعضای خانواده بنابر نیازها و اهداف متنوع خود با و مواعی مواجه می‌شوند، ناگزیر به رفتار حل مسئله می‌باشند. جوانان نیز به عنوان یکی از اعضای

اصلی اغلب خانواده ها، با مسائل متعددی روبرو هستند که نقش خانواده و بویژه والدین در حل این مسائل قابل تأمل می باشد.

بر اساس نتایج بدست آمده از پاسخ والدین به طیف الگوی اثربخش حل مسئله باید گفت، هرچند در زمینه حل مسئله جوانان اثربخشی نامطلوبی ندارند، اما رفتارهای مرتبط با حل مسئله، جهت گیری آنان نسبت به مسائل و رویکرد آنان در جویا شدن نظر جوانان از مطلوبیت مناسبی نیز برخوردار نیست. تقریباً بیش از نیمی از والدین در حل مسائل جوانان خود در سطح پایین تر از اثربخشی قرار دارند. و کمتر از نیمی از والدین در سطح اثربخش و بالاتر قرار دارند. این وضعیت می تواند روند های ارتباطی جاری در خانواده ایرانی را دچار خدشه کرده و روابط بین والدین و فرزندان را با مشکل روبرو سازد. و از طرف دیگر این دو نسل را بیش از پیش از یکدیگر دور کند و به شکاف بین آنها نیفزاید. نکته مهم تر اینکه، والدین در ابعاد سه گانه مورد بررسی (رفتاری، جهت گیری و نظرخواهی) در الگوی اثربخش حل مسئله وضعیت چندان مطلوبی از خود نشان ندادند و از آنجا که یک بعد از این ابعاد (جهت گیری) به جهت گیری والدین به کلیه مسائل زندگی مربوط می شد، کسب نمره پایین در این بُعد، بر عدم توانایی کافی والدین در برخورد با مسائل مربوط به خودشان نیز دلالت دارد. این بدین معناست که با توجه به یافته ها، والدین نه تنها در زمینه مسائل جوانان بلکه در زمینه سایر مسائل زندگی نیز از جهت گیری مطلوبی برخوردار نیستند. بر این اساس آموزش خانواده ها و والدین در زمینه شیوه های صحیح و راهکارهای درست مسئله یابی و حل مسئله ضروری می نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی:

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت
۲. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰) *شکاف بین نسلی در ایران*. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴
۳. بولتون، رابرت (۱۳۸۰) *مهارت‌های ارتباطی*. ترجمه منصور شاه ولی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
۴. خاوری، الف (_) *خانواده موفق*. زیر چاپ
۵. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش
۶. سمرمدزهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳) *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه
۷. سیف، علی اکبر (۱۳۷۹) *روانشناسی پرورشی*. تهران: انتشارات آگاه
۸. گوردون، توماس (۱۳۸۳) *فرهنگ تفاهم در رابطه با فرزندان*. پریچهر فرجادی. تهران: انتشارات آیین تفاهم
۹. گوردون، توماس (۱۳۸۱) *فرهنگ تفاهم در عمل*. پریچهر فرجادی. تهران: انتشارات آیین تفاهم/
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) *«جهانی شدن و چشم انداز خانواده»*. محمدرضا جلائی پور. ماهنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آفتاب، سال سوم، شماره ۲۹.

منابع لاتین:

11. Aldous, John. (1971) "A framework for the analysis of family problem solving". In John Aldous, Thomas Gondon, Reuben Hill, Murray Straus, and Irving Tallman (eds) Family Problem Solving Symposium. Illinois: The Oryden Press, pp. 265-281.
12. Bedell, Jeffrey. and Shelley Lennox, (1997) **Handbook For Communication and Problem Solving Skills Training**. New York: John Wiley and Sons Inc.
13. Bubolz, Margaret. (2001) "Family as User and Builder of Social Capital." Journal of Socio-Economics, Vol. 31, pp. 129-131.
14. D'zurilla, Thomas. and Marvin Goldfried, (1971) "Problem solving and behavior modification", Journal of Abnormal Psychology. Vol. 78, pp. 107-126.
15. Gundy, Arthur. (1981) *The techniques of Structured Problem Solving*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.
16. Newman, Victor. (1995) *Problem Solving for Results*. Hampshire: Gower publishing.
17. Popper, Karl. (1999) *All Life Is Problem Solving*. Translated by Patrick Camiller, London: Routledge.
18. Vuchinich, Samuel. (1999) *Problem Solving in Families*. California: Sage Publication.